

یادداشت مختصر بر تحقیق ساحوی در ولایت قندهار، دسامبر ۲۰۱۵ الی جنوری ۲۰۱۶:

کونار و معیشت روستایی

۱. مقدمه

این یادداشت مختصر در برگیرنده بررسی های ابتدایی به دست آمده از کار ساحوی در ده ساحه مربوط به ولسوالی های ارغنداب، پنجوایی و ژیری ولایت قندهار است که بین ۱۴ دسامبر ۲۰۱۵ الی ۸ جنوری ۲۰۱۶ میلادی صورت گرفت. در این ده ساحه ۱۵۰ مصاحبه صورت گرفته و تلاش گردید که ساحات مختلف با امکانات متفاوت زراعتی، امنیتی، و نزدیکی آن به بازارهای شهری انتخاب شود. در صورت ممکن دو ساحه تحقیق در دو سوی رود ارغنداب انتخاب شد. کار ساحوی پس از فصل کشت در ۲۰۱۶/۲۰۱۵ میلادی صورت گرفت تا زمینه مقایسه فصول کشت و برداشت در سال های ۲۰۱۵/۲۰۱۴ و ۲۰۱۶/۲۰۱۵ فراهم گردد. معلومات در تابستان ۲۰۱۵ میلادی جمع آوری گردید، و چون کار ساحوی چندین ماه قبل از کشت تابستانی به پایان رسید، هیچ مقایسه ای میان تابستان سال گذشته و امسال صورت نگرفت.

بررسی های ابتدایی مذکور مجدداً نقطه تایید بر تفاوت چشمگیر برآیندها (outcomes) بر اساس جغرافیا، مکان و منابع آبی/زمین، و همچنان نقش مهم شرایط سیاسی محلی و تاریخی گذاشت. با این که خانواده ها با توجه به میزان زمین و سایر امکانات شان، دارای وضعیت های متفاوتی اند، اما به طور کلی کسانی که در مناطق امن زندگی می کنند، دسترسی بهتر به بازارهای شهر قندهار داشته و در زراعت سیستم متنوع کشت را دنبال می نمایند که در اثر آن خانواده های مذکور کمتر به کشت کونار به خاطر به دست آوردن پول نقد، و گندم به عنوان یگانه منبع امرار حیات وابسته اند.

در سال های ۲۰۱۴/۲۰۱۵ میلادی، بر اساس معلومات دفتر موادمخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC)، در ولایت قندهار ۲۱،۰۲۰ هکتار زمین تحت کشت کونار قرار داشت که از این لحاظ پس از ولایات هلمند و فراه در مقام سوم قرار گرفت. اما با این حال، در مقایسه با سال ۲۰۱۳/۲۰۱۴ میلادی، در این ولایت میزان زمین های تحت کشت کونار ۳۸ درصد کاهش داشته است. (بر اساس معلومات دفتر مذکور، تولید کونار در قندهار به دو سوم، یعنی از ۹۹۵ تن به ۳۳۸ تن کاهش پیدا کرد که یکی از دلایل آن کاهش میزان برداشت محصول کونار در سرتاسر مناطق جنوبی و غربی، در اثر فرسایش خاک و دیگر عوامل زراعتی، بوده می تواند.) در سال های اخیر در ولسوالی ارغنداب کونار به صورت محدودی زرع گردیده است اما در مقابل میزان کشت در ولسوالی های پنجوایی و ژیری به مقدار زیادی بالا رفته است؛ در ژیری در سال ۲۰۱۴/۲۰۱۵ میلادی یک چهارم تمام کونار ولایت قندهار کشت گردید.

فهرست مطالب

۱. مقدمه..... ۱
۲. منابع آبی و زمین..... ۳
۳. امنیت و حکومتداری..... ۴
۴. زراعت..... ۵
۵. بازارها و اقتصاد کلانتر..... ۷
۶. تریاک و مبارزه با مواد مخدر..... ۸
۷. نتیجه گیری..... ۱۰

در باره نویسنده

پاول فیشستین (فوق لیسانس در اقتصاد کشاورزی و منابع) رییس قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان است که نخستین تجربه های او از افغانستان به سال ۱۹۷۷ میلادی بر می گردد. او اکنون به عنوان مشاور مستقل کار می نماید.

این تحقیق با حمایت مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. مسوولیت محتوای این پژوهش به دوش (AREU) بوده و به هیچ صورت مواضع اتحادیه اروپا را منعکس نمی نماید.

۱ - از سازمان تحقیق و توسعه پایدار (OSDR) به خاطر کارهای ساحوی و ارایه تحلیل های شان ابراز امتنان می شود.

۲ - "بررسی تریاک در افغانستان ۲۰۱۵: کشت و تولید" (کابل: اداره جرایم و مواد مخدر سازمان ملل/وزارت مبارزه با مواد مخدر، ۲۰۱۵).
قسمت به خاطر تفاوت ها در روش تحقیق، همواره تفاوت عظیم میان تخمین های اداره مواد مخدر سازمان ملل و ایالات متحده در ارتباط به کشت کونار هم از لحاظ مقدار قطعی و حتا در گرایش ها وجود داشته است. این موضوع دقیقاً در سلطوح ولایتی و به خصوص در مورد قندهار صادق است. (مثلاً، در ۲۰۱۳ میلادی، تخمین ایالات متحده از میزان کشت کونار در قندهار کمتر از تخمین سازمان ملل، به میزان یک سوم، بود.) با توجه به تغییرات در روش شناسی و دشواری های سنجش بازدهی در این محیط، باید در برخورد با معلومات در مورد سطح بازدهی محتاط بود.

برنامه زون غذایی که از سوی اداره انکشافی ایالات متحده تمویل می گردید، قرار داشتند. هدف این برنامه کمک به گذار دهقانان از کشت کوکنار به کشت محصولات جایز زراعتی بود. در قالب برنامه زون غذایی شش کانال آبیاری در هر یک از ولسوالی های ژیری و پنجوایی، و همچنان در خود و یا نزدیک ساحات تحقیقی، اعمار و یا بازسازی گردید.^۳

منطقه ای که بیشترین کوکنار در آن کشت شده بود، ولسوالی میوند در ولایت قندهار بود که بر اساس آمار دفتر موادمخدر سازمان ملل، بین ۳۷ الی ۵۸ درصد زمین های آن در شش سال گذشت تحت زرع کوکنار قرار گرفته است. ولسوالی های میوند، پنجوایی، و ژیری سه ولسوالی از مجموع هفت ولسوالی ای اند که بین سال های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۶ میلادی تحت پوشش

۳ - "مرور کلی بر برنامه زون غذایی قندهار." به روز شدن معلومات در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی. <https://www.usaid.gov/news-information/fact-sheets/kandahar-food-zone-program-kfz>

۲. منابع آبی و زمین

الف. آب

سه ولسوالی نامبرده در غرب شهر قندهار و در پایین رودخانه ارغنداب که از بند داله آغاز و الی شمال شرق ادامه می یابد، موقعیت دارند. تقریباً در تمام افغانستان خانواده ها از کمبود آب زراعتی شکایت داشته و از این خاطر برای آبیاری مزارع شان متکی به چاه های عمیق (۷۰ الی ۱۰۰ متر) و یا کم عمق، و همچنان کانال هایی که از قدیم از آن استفاده می کردند، هستند. در این بخشی از افغانستان، چاه های عمیق جای کاربها را گرفته است که این موضوع دارای پیامد های اجتماعی و آبی نیز است. دهقانانی که قدرت کندن چاه عمیق را دارند، با اتکا به درآمد های ناشی از کشت کوکنار، دست به این کار می زنند. نگرانی از کاهش سطح آب ها وجود دارد، به خصوص که اکنون مناطق تحت کشت در زمین های دشتی نیز رو به گسترش است که ما این را در ساحات تحقیقی و همچنان مناطق دیگر در جنوب غرب افغانستان نیز شاهد بودیم. تخمین های اولیه حاکی از آن است که در تمام بستر رودخانه ارغنداب پایین، نزدیک به ۸۳ درصد زمین های زراعتی، به خاطر کمبود آب، به طور نوبتی یا غیر پیوسته تحت کشت قرار می گیرند.^۴ در ساحه تلوکان در ولسوالی پنجوایی، مصاحبه شوندگان شکایت کردند که در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی یک موسسه خیریه ۳۰ الی ۴۰ چاه کم عمق ۲۰-۳۰ متری را حفر کرد که اکنون با کاهش سطح آب ها، چاه های مذکور خشکیده اند. (همچنان برخی از شکایت های دیگر نیز حاکی از آن بود که افراد واسطه دار چاه های نامبرده را به دست آوردند. برخی دیگر گفتند که انجو" کار خود را درست انجام نداد بلکه "فقط پول را گرفت و رفت" که این یک شکایت رایج در مورد پروژه های خیریه است.)

از مجموع ۱۵۰ خانواده ای که مورد بررسی قرار گرفت، ۱۱۲ خانواده گزارش دادند که در میزان دسترسی شان به آب زراعتی تغییر به وجود آمده است. کمی بیشتر از نصف خانواده ها در ولسوالی ارغنداب گزارش دادند که در سال های اخیر تغییری در دسترسی شان به آب زراعتی به وجود نیامده است، و در میانجوی، اکثریت خانواده ها (۱۱ از ۱۵ خانواده) گفتند که هیچ نوع تغییری در دسترسی شان به آب نیامده است. این را باید خاطر نشان ساخت که معنای عبارت "هیچ تغییری نیامده" به معنای این نیست که هیچ آب کافی زراعتی وجود نداشته است بلکه در میزان دسترسی به آب کاهش و یا افزایشی نیامده است.

ب. زمین

در کنار گسترش اسکان مردم، زمین های بیشتری در دشت کلک میسرین زی و اشقه در ژیری، و همچنان در ناگهان و شوین سفلا ارغنداب تحت کشت رفته است؛ در مناطق اخیر مربوط به ارغنداب، ۳۰ درصد مردم گفتند که به ساحات جدید در دشت مذکور کوچیده اند. در برخی مواقع این توسعه ناشی از غصب زمین های بیشتر توسط قومندانان محلی و یا رقابت مردم عادی با یک دیگر بر سر تصاحب بیشتر زمین های دشتی می باشد. تعدادی از خانواده های سروی شده در ولسوالی های مختلف گزارش دادند که زمین ها را خریده و یا به اشکال دیگر در دشت مذکور به دست آورده اند. زمین ها توسط مالکان و یا سهمگیران و اجاره گیران کشت می گردند.

میزان سهمگیری (sharecropping) از محصول نهایی دارای یک حد معین نیست بلکه تابع میزان کار و زحمت بزرگ و این که چه کسی مواد و اسباب کشت را فراهم می سازد، است. از همه مهمتر میزان سهم نهایی از محصول زیر تاثیر سابقه آشنایی، هوشیاری و روابط سهمگیر و صاحب زمین، قدرت و مهارت چانه زنی و سایر عوامل دیگر نیز می باشد. در مناطق تحت آبیاری کانال، سهم دهقان از محصول یک سوم است اما در مناطق دشتی احتمالاً یک پنجم است. سهم پایین از محصول (مثلاً یک ششم) بیشتر متعلق به زمانی است که در زمین تنها میوه جات پرورش یافته است. مقدار اجاره بستگی به موقعیت و کیفیت زمین دارد. مثلاً هزینه یک جریب زمین کم کیفیت فاقد آب (مثلاً در مناطق دشتی) ۲۰ الی ۶۰ هزار روپیه پاکستانی (معادل ۱۹۰ الی ۵۶۵ دالر امریکایی) است اما زمانی که زمین دارای آب و انرژی خورشیدی است همین قیمت به ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار روپیه پاکستانی (معادل ۸۸۰، ۱۱ دالر امریکایی) نیز می رسد. زمین های نزدیکتر به شهر قندهار کمتر به اجاره و یا در بدل سهمی از محصول نهایی داده می شود. چون مالکان زمین حتماً اگر در شهر نیز زندگی می کنند، بازهم از زمین های خود سرپرستی کرده می توانند. اما اگر زمین ها مقداری دورتر از شهر موقعیت داشته باشد، معمولاً مالکان زمین ها را در اختیار کشاورزان دیگر قرار می دهند. مثلاً، در منطقه نلغان، ۴۰ درصد زمین ها به افراد دیگر به طور اجاره و یا در بدل سهمی از محصول نهایی داده شده است. سروی ما نشان می دهد که نزدیک به دو سوم خانواده ها تنها خود شان بالای زمین های خود کار کرده، یک سوم زمین های خود را به طور اجاره و یا در بدل سهمی از محصول نهایی در اختیار زارعان دیگر قرار داده اند. در عین حال ۱۰ خانواده گفتند که هم بالای زمین خود و هم زمین های دیگران مصروف کشت اند. در مجموع، کمتر از دو سوم زمین ها توسط مالکان شان کشت شده که در عین حال، کمی بیشتر از یک سوم زمین ها به طور اجاره ای و یا در بدل سهم نهایی از محصول در اختیار دیگران قرار داده شده است. البته، در این روند تفاوت هایی در این ساحات به چشم می آید.

۴ - اطلس تقسیمات آبی افغانستان، ویرایش نخست - سند کاری برای برنامه ریزی. رافی فاور (Raphy Favre)، مشاور تنظیم اطلس، غلام منور کمال، مسوول هماهنگی شرکت خدمات مدیریت اطلاعاتی افغانستان (AIMS). (کابل، جنوری ۲۰۰۴) ۱۴۰.

۳. امنیت و حکومتداری

زیادی می گیرند. همچنان وقتی طالبان در منطقه بودند، طیاره های بدون سرنشین هم زیاد حمله می کردند. زمانی که آنها از اینجا رفتند، بمباران هم متوقف شد." برخی از مصاحبه شوندگان گفتند که وقتی هم به پاکستان می رفتند، در آنجا خود را از ولایت هلمند معرفی می کردند. چون طرفداران طالبان از سپروان تصور مثبتی نداشتند.

در برخی موارد، فرماندهان پولیس محلی در بیرون راندن طالبان در منطقه نقش داشته و امتیاز این کار به آنها بر می گردد. برخی دیگر از فرماندهان پولیس محلی نماینده تحکیم مجدد خانواده های قدرتمند محلی بوده و خصومت آنها نسبت به طالبان ریشه در منازعات قبیله‌ای گذشته دارد. همچنان به نظر می آید که برخی از مردم تعامل مشروط با حکومت را که از طریق بزرگان محلی معمولاً صورت گرفته است (البته این موضوع در مورد مناطق نزدیک به ولسوالی صادق نیست، چون در آنجا معمولاً حکومت صاحب حاکمیت بوده است)، بر حکمروایی خشن طالبان ترجیح می دهند.

همچنان گفته می شود که برخی در پولیس محلی ۲۰۰ الی ۴۰۰ روپیه از هر جریب زمین دارای کشت عادی جمع آوری می کنند. برخی مردم محلی به "یاد نمی آوردند" که به پولیس محلی پول داده باشند اما بسیاری مردم به اندازه کافی از پولیس حساب می برند که قیمت درخواست شده را بپردازند. همچنان گفته می شود که پولیس محلی مناطق را میان خود تقسیم کرده تا از دهقانان چندین بار رشوه دریافت نشود. در برخی از مناطق که در آنجا پولیس محلی و ملی از مردم پول دریافت نمی دارند، مردم خود "چیزی به آنها می دهند تا نیروهای مذکور از منطقه راضی باشند."^۶

به صورت کل، رضایت مردم محلی از پولیس محلی بستگی به نوع رفتار و خصوصیات هر یک از قومندان و یا افراد پولیس محلی در یک منطقه دارد. در تلوکان، مردم از حکومت، به خصوص رفتار پولیس محلی، خوشحال نیستند: "پولیس محلی از مردم پول گرفته و احترام بزرگان را نمی نمایند. شما نمی توانید با پولیس محلی وارد منازعه شوید. فردا یک ماین را در پشت خانه تان جا سازی می کند، و یا به ولسوال می گوید که شما چیزی را در خانه خود پنهان کرده اید و آخر سرنوشت تان به پلچرخ می ختم می شود."

در منطقه ناگهان که به شهر قندهار نزدیک است، گفته می شد که پولیس محلی و ملی از مردم پول نمی گیرند چون می ترسند که کسی از طریق خط تلفونی ۱۱۹ که به شکایات مردم از فساد اداری اختصاص دارد، به مقامات ولایت موضوع را خبر بدهد.

در بیشتر ساحات تحقیق، مصاحبه شوندگان گزارش دادند که وضعیت امنیتی مناطق شان، باوجود نزدیک بودن پنجوایی به مسیر های قاچاق در جنوب ریگستان، شورآبک و گرمسیر، نسبتاً بهتر است. مصاحبه شوندگان به صورت کلی نظرات مثبتی نسبت به وضعیت امنیتی داشتند که البته یکی از دلایل آن این است که آنها وضعیت مناطق خود را با مناطق کمتر امن در قندهار و نزدیک هلمند، و همچنان با وضعیت سال ها قبل مقایسه می نمایند. در بسیاری از ساحات تحقیق، از جمله در ارغنداب، مردم از همکاری خود با حکومت سخن زدند که عمدتاً یکی از دلایل آن است که آنها طالبان را به عنوان یک نیروی بیرونی شناخته که در جریان کنترل مناطق با "بیرحمی" با مردم رفتار کردند. مصاحبه شوندگان به ندرت به والی اشاره ای داشتند. نام والی برای بسیاری از مصاحبه شوندگان ناشناخته بود.

صحبت های مردم بیشتر متوجه پولیس محلی بود که قدرت را در منطقه در اختیار داشته و بالای زندگی روزانه آنها تاثیرگذار است. عبدالرازق، قومندان امنیه قندهار، به مراتب نسبت به والی این ولایت شناخته تر است. چون او را معمولاً به عنوان کسی می شناسند که در تامین نسبی امنیت قندهار سهم مهمی دارد: "مردم تا زمانی که عبدالرازق در پست اش است، تشویشی نسبت به اوضاع ندارند. ما از کارش خوشنودیم. او شخص خوبی است."^۵ البته، نگرانی مردم بیشتر از خراب شدن وضعیت در هلمند است. چون، گفته می شود که طالبان به طور پیوسته از آن سوی مرز، به کمک عناصری از لشکر طیبیه حمایت تسلیحاتی و اکمالاتی شده تاجنگ را در افغانستان ادامه بدهند.

برخی بهبودها در وضعیت امنیتی به کارکرد پولیس محلی نسبت داده می شود که در ۷ ساحه کار تحقیقی ما این نیرو وجود داشت. در هر جایی که پولیس محلی حضور دارد، مردم نسبت به آنها نظرات مختلفی دارند. مردم به صورت عمومی گفتند که پولیس محلی و پولیس ملی از دهقانان در جریان فصل برداشت به خاطر از بین نبردن مزارع کوکنار پول دریافت می دارند. (به طور معمول این پول از ۵ الی ۱۰ هزار روپیه پاکستانی {معادل ۵۳ الی ۱۰۶ دالر} برای هر جریب کوکنار، و ۵ هزار روپیه به خاطر هر جریب زمین چرس از کشاورزان گرفته می شود). پولیس محلی به عنوان نیرویی مدنظر گرفته می شود که تا حدی امنیت منطقه را تامین کرده و نسبت به طالبان که قبلاً در این مناطق وجود داشتند، شر کمتری به حساب می آید. گفته می شود که طالبان از مردم عشر، غذا و سایر امتیازات دریافت می داشتند که در مقایسه، پولی را که پولیس محلی و ملی از دهقانان دریافت می دارند، منصفانه و قابل پیش بینی است. مثلاً، در میانجوی، گفته می شود که طالبان ۵۰۰ نفر را در سال ۲۰۰۷ میلادی کشتند. همچنان، در جریان حمله بالای پوسته های پولیس در جریان فصل برداشت انار، خساراتی به درخت ها وارد گردید. در سپروان گفته می شود که تعدادی از نیروهای طالب کشته شدند. از این رو، مردم محل از رفتن به پاکستان خودداری می ورزیدند تا مبدا از سوی طرفداران طالب در آنجا مورد آزار و اذیت قرار گیرند. "مردم در اینجا از طالبان بد شان می آید. چون آنها مردم را زجر داده، عشر جمع می کنند، ذکات و غذا از مردم مطالبه می کنند. طالبان از مردم پول و امکانات

۶ - مصاحبه با یک دهقان، میانجوی، ارغنداب، ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی.

۵ - مصاحبه با بزرگان، شوین سفلا، ارغنداب، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی.

۴. زراعت

دامنه کشت و برداشت میوه جات و محصولات جدیدی مانند ریحان که در فصل تابستان زرع و پرورش می یابند، فراختر شده می رود. همان طوری که در بالا بحث شد، تفاوت زیادی در میزان کشت کوکنار در میان خانواده هایی که سروی شدند، به چشم می خورد. یعنی، در ژیری بیشترین و در ارغنداب کمترین میزان کشت کوکنار صورت گرفته بود. در ارغنداب خانواده ها بیشتر زمین های خود را به رویش محصولات میوه ای (که به عنوان محصولات پول آور شناخته می شوند) و کمترین آن را به کشت گندم که صرف برای مصرف خانواده است، اختصاص دادند. به صورت خاص، خانواده های سروی شده در میان جوی و ناگهان امسال میزان کمتر گندم (به ترتیب ۸ و ۱۴ درصد زمین) کاشتند که این خود نشان می دهد که آنها شدیداً به محصولات فروشی یا پول آور زراعتی متکی اند. این در حالی است که در دمراسی و تلوکان در پنجوایی خانواده های سروی شده به ترتیب ۳۸ و ۳۵ درصد زمین های خود را به کشت گندم اختصاص دادند؛ در دمراسی ۱۲ خانواده از ۱۵ خانواده و در تلوکان تمام ۱۵ خانواده گندم کاشته بودند. تقریباً کمتر از نصف خانواده های سروی شده (۷۰٪ از مجموع ۱۵۰) گزارش دادند که به قدر نیاز گندم مصرفی خود را در ۲۰۱۴/۲۰۱۵ میلادی تولید کردند اما امسال کمی کمتر (۶۶ خانواده) گفتند که گندم مورد نیاز خود را به دست آوردند؛ تنها ۹ خانواده گفت که سال قبل مازاد تولید گندم برای فروش در بازار داشتند.

بین فصل کشت زمستانی در سال های ۲۰۱۴/۲۰۱۵ و ۲۰۱۵/۲۰۱۶ میلادی، هیچ تغییر ملموسی در ارتباط به چگونگی کشت، منجمله میزان زمین اختصاص داده شده به محصولات اصلی، از سوی خانواده های سروی به وجود نیامده بود. با این حال، به نظر می آمد که باوجود کاهش در میزان زمین های اجاره ای، در میزان زمین های تحت کشت در ساحات تحقیق، تغییری به وجود آمده بود (افزایش در میزان کشت در برخی مناطق ارغنداب و کاهش در برخی مناطق ژیری). به طور عمومی، خانواده ها همانند سال قبل دست به کشت مختلط زدند که البته در تلوکان در پنجوایی و نلغام و کلک مرسن زی در ژیری تعداد بیشتر خانواده ها به کشت کوکنار دست زدند. از سال قبل تا حال، بسیاری از خانواده ها از میزان زمین اختصاص داده شده به گندم کاسته یا به همان شکل سابق حفظ کرده اند؛ این واقعیت که هیچ یک از ۶۰ خانواده سروی شده در ارغنداب بر میزان کشت گندم خود نیفزودند، نشان می دهد که کشاورزان بیشتر بر محصولات پول آور متکی اند.

دهقانان به صورت گسترده ای از مواد کیمیاوی زراعتی استفاده می کنند. این در حالی است که آنها از تاثیرات و زیان های مواد مذکور، و حتا محتوای واقعی آن چیزی نمی دانند. علف کش ها که دهقانان از بازار قندهار و بعضاً هم از بازار پنجوایی به دست آورده بودند، تقریباً از سوی ۱۲۴ خانواده سروی شده استفاده شده بود. (شکل ۱) برعلاوه، بیشتر از سه چهارم خانواده ها از انواع مواد کیمیاوی استفاده بودند که تنها آن را از شکل بوتل و رنگ مواد می شناختند. دهقانان گفتند که از مواد مختلف کیمیاوی فعال، تجارتي و مارک دار، مانند تاج اوپیک (Taj Opic)،

در قندهار دو فصل کشت وجود دارد: فصل زمستان، و فصل کوتاه تابستان که دامنه آن بستگی به میزان دسترسی به آب دارد. در این منطقه محصول رایج زراعتی گندم و میوه است که البته در ساحات تحقیق از حیث میزان کشت محصولات نامبرده تفاوت هایی وجود داشت. مثلاً، در میانجوی ۹۲ درصد خانواده هایی که مورد بررسی قرار گرفتند، محصول اصلی شان میوه بود و بقیه را به کشت های زمینی اختصاص داده بودند. اما از جانب دیگر، در اکثریت مناطقی که در پنجوایی و ژیری مورد بررسی قرار گرفتند، دستکم یک سوم زمین ها به گندم و بقیه به کشت کوکنار اختصاص داده شده بود. برعلاوه گندم و کوکنار، محصولات زراعتی مهم دیگر در این مناطق عبارت از سبزیجاتی چون بادنجان رومی، بامیه، بادنجان سیاه و پیاز است. در برخی از مناطق ژیری، زیره نیز کشت می گردد. زمین های مناطق نزدیک به بازارهای شهرقندهار بیشتر برای کشت سبزیجات جذاب اند.

در مناطق فوق میوه اصلی انگور، و در ارغنداب انار است. با این که در سال های گذشته، از زمان جهاد علیه شوروی، جنگ در مناطق نامبرده جریان داشته اما بیشترین خسارات به باغ های مردم در جریان جنگ میان نیروهای امریکایی و طالبان در چند سال قبل وارد گردید. اما باغ ها روز تا روز دو باره احیا می گردند. در این مناطقی از قندهار، به خصوص پنجوایی، چندین نوع کشمش-سیاه، سبز، سرخ و آب جوش (کشمکش دراز) که از شهرت زیادی برخوردار است- تولید می گردد. در برخی از مناطق، محصولات میوه ای دیگر عبارت از زردآلو، شفتالو و آلو است.

در جریان فصل کوتاه کشت تابستانی، اصلی ترین کشت عبارت از جواری (دستکم در یکی از مناطق کشت این محصول از سوی مقامات ممنوع شده بود. چون به باور آنها شورشیان در مزارع جواری مخفی می گردند) است که بعد از آن ریحان و ماش قرار دارد. ریحان در دمراسی، سه سال پس از معرفی آن توسط حکومت و یا انجوها، تبدیل به محصول پر طرفداری شده است. (گفته می شد که زعفران که در ۲۰۰۵/۲۰۰۶ میلادی به کشاورزان معرفی گردید اما به بار ننشست. چون تصور می شود که در جای غلط کشت شد و تنها به افراد واسطه دار داده شد.) ریحان که به اشکال مختلف در این منطقه کشت می شود، به هند برای استفاده دارویی و نوشیدنی صادر می گردد.

ریحان سیاه که در غذا و ادویجات قابل استفاده است، در اینجا نمی روید. این گیاه پس از برداشت گندم به صورت قلمه کشت می شود. این محصول به آب کم ولی کار زیاد نیاز دارد. ساقه و برگ های آن دور انداخته شده و یا به شکل مواد سوختی استفاده می شود، و بذر آن نیز به کار گرفته می شود. هر جریب زمین ۳۵ الی ۶۰ من قندهاری (یک من = ۴.۵ کیلوگرام) حاصل داده که هر من به ارزش ۵۰۰ الی ۷۰۰ روپیه (۴.۷۰ الی ۶.۶۰ دالر) به فروش می رسد. چرس نیز به خصوص در ژیری در جریان فصل تابستان می روید. چندین خانواده در پنجوایی گزارش دادند که در جریان تابستان به کشت کوکنار (که فصل کاملاً نامعمول برای این کشت به خاطر وضعیت جوی است) دست زدند. در برخی از مناطق ارغنداب و ژیری سبزیجات نیز کاشته شده است. در میانجوی میوه تنها کشت تابستانی بوده است.

فروشند. به هر حال، احتمالاً این نکته را نیز نباید فراموش کرد که دهقانان اعتماد بسیار زیادی بالای اثرات مواد کیمیاوی دارند که وقتی نتیجه مطلوب را به دست نمی آورند، دچار ناامیدی و سرخوردگی می گردند.

در حالی که اکثر خانواده ها (۱۳۶ از ۱۵۰) گفتند که صاحب جنراتور بوده و حداقل یک پنل آفتابی برای تامین روشنایی خانه (۱۱۹) دارند، اما تنها شش خانواده گزارش دادند که یک پنل آفتابی برای کشیدن آب از چاه های تیوب دار در اختیار دارند. پمپ های آبی که با نورخورشیدی کار می کنند، در این ساحات به آن میزانی که در مناطق دشتی هلمند مورد استفاده قرار می گیرد، وجود ندارد. البته، واتر پمپ های خورشیدی که یکبار به ارزش ۵،۹۰۰ دالر امریکایی توسط نفر تخنیکي از شهر قندهار، در محل نصب می گردد، می تواند که اقتصاد زراعتی ساکنان مناطق دشتی را در این بخشی از قندهار متحول سازد. بنا به گزارش هایی، افراد متمول تر در شوین سفلا (Shuyen-e Suflla) از نورخورشیدی برای کشیدن آب از چاه ها در مناطق دشتی استفاده می کنند.

میستون (Mectone)، سایپر مترین (Cypermethrin)، تاج دورس بین (Taj Dorsbin)، پندی میتالین (Pendimethalin)، تاج گرو جی (Taj Grow G)، فارو رت (Farorat)، کلورپی ریفوس (Chlorpyrifos)، فرستورین (Ferrostrene)، ولمبادا-سیهالوترین (Lambda-Humic Cyhalothrin)، و همچنان مواد نرم کننده خاک مانند هومیک پاور (Humic Power) استفاده می کنند. بر اساس گفته های مردم محلی، در مورد یک نوع مواد کیمیاوی ساخت ایران این گونه تبلیغ می گردید که در بی اثر کردن سمپاشی هوایی که به امریکایی ها نسبت داده می شد، موفق است (به پایین مراجعه شود).

کیفیت مواد کیمیاوی فوق معمولاً مشکوک است، چون مواد دست دوم، تاریخ گذشته و تقلبی اند. معمولاً این وضعیت به کم کاری مامورین ریاست زراعت و مالدارانی نسبت داده می شد که گویا آنها نظارت جدی در قسمت کنترل مواد کیمیاوی نمی کنند. گفته می شود که یکی از دلایل آن ارتباط این مامورین با دوکاندارانی است که مواد بی کیفیت کیمیاوی را در بازار می



(تصویر ۱: مواد کیمیاوی زراعتی و دانه های بذری در پنجوایی)

۵. بازارها و اقتصاد کلانتر

برخی از مردان جوان یاد آوری کردند که جهت کار به هلمند و سایر نقاطی که در آنجا کوکنار کشت می شود، می روند. جوانان به این کار میله می گویند: هم فرصتی است برای پول در آوردن و هم موقعی است برای ساعت تیری. استخدام کارگران به شیوه تیلیفونی است. به این ترتیب که صاحب کار به کارگران سال قبل زنگ زده تا ببیند که آیا امسال نیز برای کار بالای زمین های اش می آیند یا خیر. بنا به گزارش ها، مزد روزانه در دمراسی ۲۵۰ افغانی (معادل ۳,۷۰۰ دالر امریکایی) یا ۴۰۰ روپیه پاکستانی (معادل ۳,۸۰۰ دالر امریکایی) است.

فصل برداشت انار نیز فرصت خوب کاری در مناطق باغدار به حساب می آید. مصاحبه شوندگان در شوین سفلا (Shuyen-e Sufila) گفتند که در آن زمان نرخ دستمزد ۵۰۰ الی ۶۰۰ روپیه پاکستانی (۴,۷۰۰ الی ۵,۷۰۰ دالر) است و حتا به ۱,۵۰۰ روپیه (۱۴,۱۰۰ دالر) برای "کارگران ماهر" نیز در روز می رسد. در اینجا باید توضیح داد که کارگران ماهر کسانی اند که چیدن انار را به خوبی از درخت می دانند و این که چه مقداری از انار در یک کارتن می گنجد تا به درستی به بازار انتقال داده شود. تنها ۱۴ خانواده گفتند که در ۲۰۱۴/۲۰۱۵ قرض گرفته اند و وام های سال قبل را نیز هنوز پرداخت نکرده بودند.

چهل و شش خانواده از تغییرات ملموس در معیشت خود امسال خبر دادند که از آن میان تغییرات در زندگی ۲۲ خانواده مثبت و در زندگی ۲۶ خانواده منفی بوده است. مهمترین تغییر مثبت در زندگی گروه اول شمولیت یکی از اعضای آن در قوای امنیتی و دریافت معاش بود؛ همچنان تغییر مثبت دیگر برداشت حاصل خوب از زمین ها بود. شایع ترین دلیل تغییر منفی در زندگی گروه دوم را بایستی برداشت پایین محصولات (به خصوص انار که سال قبل در اثر بارندگی ها آسیب دیده بود)، و سپس، آن طوری که مردم محلی باور دارند، میزان پایین برداشت کوکنار در اثر "سمپاشی" نیروهای امریکایی دانست.

بر اساس گزارش های موجود، تنها در منطقه مرغان، دختران و پسران در مکاتب یا مدارس دینی حضور داشته، و طالبان نیز انتقادی و یا ممانعتی از تحصیل دختران نکرده اند. تمام مصاحبه شوندگان گفتند که میزان کمک های انکشافی به مناطق شان افت شدیدی داشته است که این خود نمودی از کاهش عملیات و حضور نیروهای خارجی در افغانستان به حساب می آید. سال قبل، تنها ۷ خانواده از مجموع ۱۵۰ خانواده از کمک های انکشافی در مناطق شان خبر دادند. این کمک ها شامل اعمار پل ها، پلیچک، دیوار های حایل و انبارهای نگهدارنده انگور می شد. هیچ یک از خانواده ها نگفتند که سال قبل تخم بذری و کود کیمیاوی دریافت کرده اند. تمام مصاحبه شوندگان گفتند که به غیر از اعمار یک کشمش خانه که در سال ۲۰۱۴ میلادی در شوین سفلا (Shuyen-e Sufila) اعمار گردید، دیگر هیچ کار بازسازی و انکشافی ای در مناطق شان صورت نگرفته است. آنها گفتند که در گذشته کمک های انکشافی زیادی (مثلا پاسسازی کانال، اعمار دیوار های استنادی و پلیچک) انجام شد اما در دو سال گذشته خبری از این نوع کمک ها نبوده است.^۸

به غیر از تریاک و چرس که به خریداران در قریه به فروش می رسد، خانواده ها امکان این را دارند که محصولات زراعتی خود را در قریه، باغ و یا شهر قندهار به فروشند. بازاریابی تنها به دو صورت می شود. در ارتباط به انار، بسیاری از کشاورزان تمام باغ انار، مثلا پنج جریب انار به ارزش ۱,۵ میلیون روپیه پاکستانی (۲۱۴,۱۵۰ هزار دالر امریکایی)، را به خریدار می فروشند. زمانی که روی قیمت قبل از برداشت توافق می شود، معمولا ارزش جنس پایین تر است ولی در فصل برداشت قیمت انار بر اساس نرخ روز در بازار تعیین می گردد. دهقانان، سبزیجات و انگور های خود را پس از برداشت در بازار قریه و یا شهر قندهار بر اساس نرخ روز می فروشند. زمانی که سطح تقاضا در شهر قندهار بالا است، تاجران بیشتر مایل اند تا محصولات مذکور را از دهقانان در قریجات بخرند. اگر یک دهقان به صورت عاجل به پول نیاز داشته باشد، محصولات خود را جهت فروش به بازار شهر می برد.

هیچ یک از خانواده ها سخنی در مورد محدودیت های بازاریابی نگفتند، اما برخی در مورد نرخ های پایین محصولات زراعتی خود در بازار شکایت کردند. نکته تعجب آور این است که با وجود تمایل دهقانان به شکایت، تنها ۳۹ خانواده از ۱۵۰ خانواده سروری شده گفتند که محصولات خود را به قیمت پایین تر فروختند، و همچنان شکایت برخی دیگر در ارتباط به امراض نباتی و عوامل دیگر بود که منجر به کاهش قیمت محصولات شان شده بود. برای دهقانانی که سبزیجات خود را در فصل تابستان برداشت می کنند، دشوار است که به دلیل گرمی هوا محصولات خود را با کمی انتظار در یک فرصت خوب به قیمت دلخواه بفروشند. از این رو، محصولات مذکور در این فصل به قیمت نازل از دست شان می رود. هیچ یک از مصاحبه شوندگان در مورد مشکلات انتقال محصولات به بازار شکایتی نکردند. در نلغام، مردم گزارش دادند که سرک اعمار شده توسط نیروهای بین المللی در سنگ حصار در جریان چند سال گذشته، برای آنها سهولت ایجاد کرده است. البته، آنها در زمان اش از این که سرک می تواند به زمین های شان آسیب برساند، نسبت به ساخت آن اعتراض داشتند.

تقریبا یک سوم خانواده های سروری شده گزارش دادند که یک عضو آنان به صورت تمام وقت بیرون از مزرعه کار می کند. کلانترین کنگوری مشاغل، کار در بخش امنیتی و دوکانداری بود (۲۱ خانواده مصروف کار در دو بخش نامبرده). از جمله خانواده هایی که یکی از اعضای آن با نیروهای امنیتی افغان کار می کردند، ۱۰ تن به صورت مشخص در پولیس محلی شامل بود. دیگر کنگوری های کاری شامل کار روزمزدی (۱۱)، رانندگی موتر و یا زرنج^۷ (۸)، معلمی (۳)، سایر مشاغل حکومتی (۵)، و میکائیکی (۳) بود. بیشتر فرصت های کاری در لشکرگاه و یا شهر قندهار وجود داشته و همچنان در مناطق نزدیک به شهر قندهار نیز می توان کاری برای خود دست و پا کرد.

باوجود مجاورت قندهار با پاکستان، تنها دو خانواده گزارش دادند که عضوی از آنها در آنجا کار می کند. برخی از مردان از مناطق مذکور گفتند که در کوره های خشت پزی در پاکستان کار کرده، اما همان طوری که در بالا اشاره شد، بسیاری از مصاحبه شوندگان گفتند که از کار در مناطق مرزی به خاطر مواجه نشدن با آزار و اذیت پرهیز می کنند. ایران عمدتا به خاطر مشکلات زبانی، برای دهقانان مناطق روستایی قندهار کشور مناسب جهت یافتن کار نیست.

۷ - یک نوعی از موترسکل که برای انتقال مردم و اموال استفاده می شود.

۸ - همان طوری که در بالا اشاره رفت، برنامه زون غذایی قندهار که از سوی اداره انکشافی ایالات متحده تامین می شد، یک برنامه سه ساله در جهت ارائه بدیل های انکشافی چندجانبه ای بود که در ۶ ولسوالی قندهار، از جمله در ژبری و پنجوایی (متجمعه در نزدیکی یا در سه ساحه تحقیق) تطبیق شد.

۶. تریاک و مبارزه با مواد مخدر

اشرف غنی نیز در اینجا بیاورد، آنها از کشت کوکنار منصرف نمی شوند.^۹ برخی از مناطق، خانواده های کشاورز به این دلیل کوکنار کشت نمی کنند که از ناحیه فروش میوه جات و محصولات درآمد خوبی دارند، مجبور به تحمل فشار و اضطراب دادن رشوه به پرسونل امنیتی، نگرانی از سمپاشی هوایی و فرسودگی خاک نیستند. در دمراسی، میزان کشت کوکنار افت کرده بود که دلایل آن می تواند خاک نمک دار، "سمپاشی آمریکایی ها"، فرسودگی خاک، و هزینه های بالا در مقایسه به سود نهایی باشد. همچنان، دلایل دیگر آن می تواند شامل هزینه های بالای تولید، ترس از تاثیرات سمپاشی هوایی، جذابیت پرورش محصولات باغی، و ضرورت به عدم کشت متداوم یک محصول باشد. حضور حکومت در مناطق مذکور در این راستا نقش دارد. مثلا منطقه ناگهان نزدیک شهر قندهار است.

هزینه های تولید (آب، نیروی کار، مواد کیمیاوی) می تواند که کشت محصولات جایگزین مانند تربوز و سبزیجات را برای دهقانان بیشتر جذاب نماید. در میانجوی، یکی از مصاحبه شوندگان چنین توضیح داد: "ما کوکنار کشت نمی کنیم چون باغ های زیادی داریم که حاصل می دهند. حتی اگر حکومت به ما برای کشت کوکنار پول نیز بدهد، ما این کار را نمی کنیم. هزینه کشت کوکنار به عقل جور نمی آید."^{۱۰} در ۲۰۱۴/۲۰۱۵ میلادی، بازدهی تریاک در پنجوایی و ژیری ۱ الی ۲،۵ من در هر جریب بوده است.

در تمام ساحات تحقیق این اعتقاد وسیع و خدشه ناپذیر در میان مردم وجود داشت که "خارجی ها مزارع آنها را سمپاشی می کنند"، که در نتیجه نه تنها بالای گل ها تاثیر منفی دارد بلکه سایر محصولات زراعتی را نیز آسیب می رساند.^{۱۱} به باور مردم، سمپاشی سال دو بار از طریق هوا صورت گرفته، و مصاحبه شوندگان از گرد سفید کیمیاوی بر سر بام ها و دیوار های شان حرف می زدند.

در جریان مصاحبه ها، تمام مصاحبه شوندگان گفتند که هیچ معلوماتی و یا کارزار محو تا اکنون در فصل کشت در ۲۰۱۵/۲۰۱۶ میلادی انجام نگرفته است. البته، نباید از یاد برد که هنوز راه اندازی کمپاین محو کوکنار کمی بیشتر از وقت است، و بر اساس تجارب قبلی، کمپاین محو در این بخش کشور در جریان ماه های مارچ و اپریل راه اندازی می گردد. سال قبل، مقامات در برخی از مناطق بزرگان محلی را قبل از فصل کشت فراخوانده تا به آنها در مورد دواپاشی اطلاع دهند اما امسال چنین کاری صورت نگرفت. (بر اساس معلومات دفتر جرایم و مواد مخدر سازمان ملل، ۳۹۶ هکتار از مزارع کوکنار در این ولایت در ۲۰۱۴/۲۰۱۵ میلادی تخریب گردید که نسبت به ۲۰۱۳/۲۰۱۴ میلادی پنج برابر افزایش پیدا کرده است.) با این حال، در ۱۸ جنوری، پس از پایان کار تحقیق ساحوی، سروی کنندگان گزارش دادند که ولسوال در رادیو تلویزیون قندهار اعلام کرد که او نشستی با دهقانان دمراسی و سپروان داشته و آنها موافقت کردند که مزارع کوکنار خود را با تراکتور در بدل دریافت پروژه های انکشافی

میزان کشت کوکنار در ساحات تحقیق، از یک دیگر متفاوت بود. همان طوری که در بالا اشاره شد، تقریبا در ارغنداب هیچ خانواده ای (به جز یک) کوکنار نکاشته بود اما کشت کوکنار در دیگر ساحات تحقیق در ولسوالی های دیگر به چشم می خورد. در پنجوایی و دمراسی، تخمین های غیر رسمی حاکی از آن بود که نصف جمعیت مناطق به میزان متفاوت دست به کشت کوکنار زده اند. در زمین های نزدیک جاده اصلی و یا ولسوالی کوکناری زرع نگردیده بود اما کشت کوکنار به نحوی در شرق و جنوب ولسوالی شایع تر بود. کشت کوکنار در تلوکان و سپروان بیشتر به نظر می آمد. در خود ژیری، در اشقه (Asheqeh)، کوکنار به صورت محدودی کشت شده بود. در اینجا می توان گفت که میوه و دیگر محصولات بهادار درآمد خوبی برای کشاورزان، به خصوص در زمین های نزدیک به دریا، داشت. از جانب دیگر، در کلک مرسن زی (Kolk-e Mersenzai) کوکنار به طور وسیعی، به خصوص در شمال سرک و مناطق دشتی، کشت گردید. این مناطقی اند که در آن امنیت کمتر و کوکنار بیشتر است. در این ساحات مردمی زندگی می کنند که در جریان روند توزیع زمین به کنار زده شده بودند؛ از جانب دیگر، به خاطر نبود امتیاز و حمایت که معمولا در چارچوب پولیس محلی به دست می آید، آنها بیشتر به طالبان گرایش دارند که به طور فعال مخالف نابودی مزارع کوکنار از سوی پولیس محلی اند. در نهایت، در نلغام، باوجود حضور پولیس محلی، و اردوی ملی در منطقه، کشت کوکنار به صورت وسیعی صورت گرفته بود. در میان خانواده های سروی شده در سه ساحه تحقیق در ژیری، دو سوم خانواده ها ۲۰ درصد زمین زراعتی خود را به کشت کوکنار اختصاص داده بودند. هیچ یک از ۵۷ خانواده تنها به کشت کوکنار اکتفا نکرده بودند.

همان طوری که در بالا اشاره شد، افزایشی در میزان کشت کوکنار در مقایسه با سال قبل به چشم نمی خورد. با این حال، تعداد خانواده هایی که به کشت کوکنار دست یازیدند، در برخی از قریجات (تلوکان، نلغام و کلک مرسن زی) افزایش پیدا کرده بود. در نلغام کشت کوکنار در مناطقی صورت گرفته است که حکومت بر آن کنترل چندانی نداشته و دور از ولسوالی موقعیت دارند. در کلک مرسن زی، زمین های تحت کشت کوکنار در شمال قریبه اصلی، و حتی در مناطق دشتی که در آنجا امنیت کمتر و کوکنار بیشتر است، قرار داشتند. گفته می شود که کوکنار در ۶۰ الی ۷۰ درصد زمین ها در مناطق دشتی نزدیک کلک مرسن زی کشت شده است. در عین حال، حاصلات گندم، با توجه به هزینه های ابتدایی حفر چاه تیوب دار و هزینه های دوامدار مصرف دیزل برای کشیدن آب از چاه، به اندازه کافی نبوده است.

در حالی که کوکنار عمدتا در فصل زمستان کشت می شود، هفت و پنج خانواده به ترتیب گفتند که در تابستان ۲۰۱۵ نیز در مناطق سپروان و تلوکان مجموعا ۱۸ جریب زمین را کوکنار کاشتند. با توجه به هوای گرم این مناطق و کاهش آب در جریان تابستان، کشت محصول در این وقت سال کار غیر معمول است.

در برخی مناطق، مصاحبه شوندگان گفتند که کشت یا عدم کشت کوکنار بر مبنای دلایل اقتصادی صورت گرفت: "تصمیم به کشت و یا عدم کشت مبتنی بر حساب سود و زیان است و نه حرف های حکومت؛ حتی اگر خود

۹ - مصاحبه با یک دهقان، میانجوی، ارغنداب، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی.

۱۰ - این اعتقاد راسخ در میان مردم در سایر مناطق، به خصوص هلمند، نیز وجود دارد. مراجعه شود به دیوید مانسفیلد، "از بد به بدتر: تمرکز کشت کوکنار در مناطق پر از منازعه در ولایت های هلمند و ننگرهار" (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، می ۲۰۱۴).



تصویر ۲: نمای از تخریب مزارع کوکنار. منبع: طلوع نیوز؛ "پاکسازی مزارع در کمپاین محو کوکنار در پنجوایی قندهار،" ۱۸ جنوری ۲۰۱۶.

چرس پس از دور شدن گندم ها رشد می کند. برخلاف مناطقی چون بلخ، که چرس همراه با پنبه به خاطر جلوگیری از آفت و پنهان کاری کشت می گردد، در این مناطقی از قندهار چرس به تنهایی کشت شده و با کشت های دیگر خلط نمی شود. چون دهقانان از این که مقامات علیه کشت چرس اقدام کنند، ترسی در دل ندارند (شکل ۳).

تجارت تریاک توسط تاجران محلی صورت می گیرد که آنها مواد مذکور را خریداری و انتقال می دهند. آنها شبکه ها و روابط با پولیس محلی، پولیس ملی و سایر مقامات دارند. در واسطه بازی افراد محلی دخیل اند؛ چنانکه یکی از مصاحبه شوندگان گفت: "اگر من یک وزیر را بشناسم کارم پیش نمی رود، به جای آن بهتر است که در میان پولیس محلی واسطه و شناخت داشته باشم." (در زمان کار ساحوی، تریاک خام سال قبل در بازار به مبلغ ۷۰۰ الی ۹۰۰ دالر امریکایی، با توجه به مقدار آب آن، به فروش رفت.)

خراب کنند. در همان روز، شبکه طلوع نیوز گزارش داد که "کارزار گسترده" کمپاین محو کوکنار در ولسوالی پنجوایی راه اندازی گردید و مقامات هم وعده دادند که دسترسی دهقانان به بازارها و انتقال آسان محصولات زراعتی آنها را به آنجا سهل تر می سازند. ناظران اصالت عکس های مزارع (شکل ۲) تخریب شده کوکنار را زیر سوال برده و حتا باور دارند که مزارع مذکور، مزارع کوکنار نیست. چون در آنجا مواد و ابزار کشتگری در زمین های شخم زده به چشم نمی خورد.

در کلک مرسن زی، شکایت هایی وجود داشت که سال گذشته کمپاین محو کوکنار بیشتر دهقانان خرده پا را هدف گرفته بود. در سپروان، دهقانان با کمپاین ها محو عادت کرده بودند، و در زمین های نزدیک سرک های اصلی کوکنار کشت نمی کنند. همچنان، آنها از روی رضایت به پولیس محلی بدون کدام جنجالی پول می دادند.



تصویر ۳: بته های چرس که خشک می شوند و هنوز هم در مزرعه موجود اند، ولایت قندهار، دسامبر ۲۰۱۵.

۷. نتیجه گیری

هیچ یک از مصاحبه شوندهگان از مشکلات انتقال محصولات شان به بازار حرفی نزدند، و به طرز جالبی تنها درصد کمی از آنها در مورد نرخ نازل فروش محصولات زراعتی شان در بازار شکایت کردند. تقریباً یک سوم خانواده های سروی شده گزارش دادند که یک عضو آنها به صورت تمام وقت در بیرون از مزرعه کار کرده که بیشتر آنها در سکتور امنیتی مشغول اند. تمام مصاحبه شوندهگان گفتند که در میزان کمک های انکشافی به مناطق شان در سه سال گذشته کاهش شدیدی آمده است که این البته واقعیت شرایط پس از خروج نیروهای نظامی بین المللی از این کشور است.

این کار ساحوی دو بخشی که باید به آن توجه صورت گیرد، شناسایی کرده است. همانند ولایت هلمند، میزان آب در قندهار کاهش پیدا کرده که در نتیجه نیاز به حفر چاه های عمیق تر است. مردم هنوز هم به مناطق دشتی باوجود شرایط دشوار آن می کوچند. چون در مناطق مذکور کنترل حکومت کم است و کوکنار تنها محصول زراعتی ای است که لحاظ اقتصادی دارای آن حدی از بازدهی است که مصارف خود (عمدتاً خرچ دیزل) را بکشد. استفاده بیشتر از واترپمپ های خورشیدی این دو روند را تقویت کرده می تواند: مهاجرت به مناطق دشتی و گسترش کشت کوکنار.

مشاهدات ابتدایی از کار ساحوی که در ده ساحه تحقیقی در سه ولسوالی قندهار پس از فصل کشت زمستانی در ۲۰۱۵/۲۰۱۶ میلادی انجام شد، سایر مشاهدات در بقیه بخش های افغانستان را تایید می کند: خانواده های کشاورزی که دسترسی بهتر به بازارها- در این قضیه شهر قندهار- دارند، با آسانی بیشتر از اقتصاد کوکنار گذر کرده و محصولات زراعتی خود را متنوع می سازند. مناطقی دارای وضعیت بهتر (مثلاً در ارغنداب و اشقه در ژیری) اند که توانسته اند نظام باغداری، مثلاً انار و انگور، خود را دو باره پس از ویران شدن در جریان جنگ های سال های پیشین بازسازی نمایند. در این مناطق، کوکنار زرع نشده و میزان تولید گندم هم پایین است. عدم کشت کوکنار عمدتاً یک تصمیم اقتصادی بوده تا ناشی از فشار حکومت. میزان کشت ریحان به عنوان محصول تابستانی به طور بارزی در سه سال گذشته رو به افزایش بوده است. از جانب دیگر، در مناطقی (مثلاً سه ساحه در پنجوایی، در کلک مرسن زی در ژیری) که از وضعیت خوبی برخوردار نیستند، خانواده ها به لحاظ اقتصادی و معیشتی وابسته به کشت کوکنار و گندم اند. در تمام این مناطق، کشت کوکنار بیشتر در مناطق دشتی شایع تر بوده است.

مشاهدات ابتدایی همچنان اهمیت جغرافیا، موقعیت و منابع زمین/آب، و همچنان شرایط سیاسی محلی و تاریخ را مورد تایید مجدد قرار داد. در بخش عمده ساحات تحقیق، مصاحبه شوندهگان گزارش دادند که امنیت نسبت به سال های قبل بهتر شده، و مردم به طور عمومی با حکومت همکاری کرده و یا آن را تحمل می کنند. چون، یک دلیل آن این است که طالبان به عنوان یک نیروی بیرونی شناخته می شود که قوانین و شرایط سخت و بی رحمانه ای را در زمان حاکمیت خود بر مردم تحمیل کردند. در اینجا همانند سایر بخش های افغانستان نظرات در مورد پولیس محلی متنوع است. با این که پولیس محلی از دهقانان در بدل نادیده گرفتن مزارع کوکنار شان پول دریافت می دارد، اما آنها حاضر به پرداخت مقدار تقاضا شده هستند. چون میزان پول مذکور، در مقایسه با اخاذی طالبان، زیاد و کم شکن نیست.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان علاقمند است از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این سازمان مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما هستید، چه در یکی از سخنرانی‌ها و کارگاه‌های این واحد اشتراک جسته‌اید، همین‌طور اگر به تازگی با این سازمان آشنایی یافته‌اید یا از کتابخانه آن استفاده کرده‌اید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما بسیار ارزشمند است. نظرات شما به ما کمک می‌کند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته‌های کاری خود را به شکل بهتر با خوانندگان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارایه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

همچنان شما می‌توانید به این شماره تماس بگیرید ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۹۳+ و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات،...)?
- به چه منظور از پژوهش‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می‌کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می‌کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می‌کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می‌توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارایه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد‌های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می‌توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تاریخ	عنوان نشریه	نام نویسنده	دری	پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
اپریل ۲۰۱۶	بنای دولت بر ریگزار: پیامد های مواد مخدر بر روند دولت سازی در افغانستان	دیوید منسفیلد			مدیریت منابع طبیعی	کتاب
اپریل ۲۰۱۶	یادداشت مختصر بر تحقیق ساحوی در ولایت قندهار، دسامبر ۲۰۱۵ الی جنوری ۲۰۱۶ کوکنار و معیشت روستایی	پاول فیشستین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	خلاصه
مارچ ۲۰۱۶	ارتش ملی افغانستان پس از ایساف	انتونیو جیستازی و علی محمد علی			حکومتداری	توضیح نامه
فبروری ۲۰۱۶	اصل در جزئیات: اُفت دومدار ننگرهار در خشونت، شورشگری و تولید گسترده مواد مخدر	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	خلاصه
فبروری ۲۰۱۶	اقتصاد سیاسی آموزش و ارایه خدمات صحتی در افغانستان	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان			حکومتداری و اقتصاد سیاسی	نشریه تحلیلی
جنوری ۲۰۱۶	عدم مصونیت آب آشامیدنی خاواده: تغییر نمونه ها برای دریافت واقعیت ها در مورد پایداری دسترسی به آب آشامیدنی در افغانستان	ونست تاماس	✓	✓	جنر	نشریه تحلیلی
جنوری ۲۰۱۶	سوی دیگر نابرابری جیستی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان	چونا آر، اچاوزه، سید مهدی موسوی	✓		جنر	نشریه تحلیلی
نومبر ۲۰۱۵	۹۰ درصد واقعی: صعود و نزول اقتصاد اجاری در افغانستان: قصه های از قندهار	جولیا مینویا و ادم پین			معیشت پایدار	قاعده کاری
اکتوبر ۲۰۱۵	رسیدن به نقطه اوج: فعالیت سیاسی در لیسه های افغانستان	انتونیو جیستازی و علی محمد علی	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اکتوبر ۲۰۱۵	فرار از مزعه های خشک: مهاجرت دهقانان هلمندی در واکنش به بی حاصلی فصل کشت کوکنار	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	خلاصه
اکتوبر ۲۰۱۵	یادداشت کوتاه در باره کار ساحوی در ولایت بلخ، می ۲۰۱۵ میلادی کوکنار و معیشت روستایی	پاول فیشستین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	خلاصه
اکتوبر ۲۰۱۵	زنان و انتخابات: عوامل تسهیل کننده و بازدارنده	اورخا اشرف نعمت	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
سپتمبر ۲۰۱۵	در نظر داشت بافت روستا ها در افغانستان	ادم پین			معیشت پایدار	پالیسی نامه
سپتمبر ۲۰۱۵	خبرنامه تحقیقاتی افغانستان - شماره ۳۲	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان				خبرنامه تحقیقی
جولای ۲۰۱۵	سیاسی سازی مکاتب لیسه افغانستان	انتونیو جیستازی و علی محمد علی	✓	✓	حکومتداری	توضیح نامه
جولای ۲۰۱۵	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت قندهار	اشلی چکسن			معیشت پایدار	مقاله کاری
می ۲۰۱۵	تفکیک قوا در قانون اساسی افغانستان: یک مطالعه موضوعی	فرید حمیدی و ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	مطالعه موردی
می ۲۰۱۵	شناسایی تفاوت های روستاها در افغانستان: استفاده از تحلیل های چندبعدی برای تشخیص نوعیت روستاها	ادم پین و جورجینا سترج			معیشت پایدار	مقاله کاری
اپریل ۲۰۱۵	خبرنامه تحقیقاتی افغانستان - شماره ۳۱	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان				خبرنامه تحقیقی
اپریل ۲۰۱۵	تفکیک قوا در افغانستان: نظریه و عمل	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
اپریل ۲۰۱۵	تکامل حقوق بنیادی در افغانستان: ۱۹۲۴-۲۰۰۴	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
مارچ ۲۰۱۵	ازالف تا یا کتاب رهنما برای کمک به افغانستان نسخه سیزدهم ۲۰۱۵	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	✓	✓		کتاب
فبروری ۲۰۱۵	دوران غیر رسمی بازار پیاز در ولایت ننگرهار	جولیا مینویا	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
فبروری ۲۰۱۵	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت ننگرهار	اشلی چکسن	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
فبروری ۲۰۱۵	بازار کار، نابرابری اجتماعی و خیاطان کابل	ادم پین و ریچارد مالت	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
دسمبر ۲۰۱۴	چرا اطفال به تنهایی سفر می کنند؟ انگیزه های سفر به اروپا و سایر کشورهای صنعتی از منظر اطفال، خانواده ها و جوامع ارسال کننده در افغانستان	چونا آر، اچاوزه، جنیفر لین بگاپورو لیحه ویلفر داری شکرپه آزاد منش	✓	✓	مهاجرت ها و شبکه های فراملتی	نشریه تحلیلی
نوامبر ۲۰۱۴	تاثیرات اجتماعی پیاز: دوران غیر رسمی مارکیت پیاز در ننگرهار، افغانستان	جولیا مینویا و ادم پین			معیشت پایدار	مقاله کاری
نوامبر ۲۰۱۴	معضل زنان و رهبری در افغانستان: درسهها و پیشنهادات	آریا نجات	✓	✓	جنر	پالیسی نامه

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، موسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد.

در سال ۱۳۹۵ شمسی پروژه های مشخصی از سوی اتحادیه اروپا (EU)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، بانک جهانی، گروه امنیت حکومتمداری (SGG)، انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تخنیکی آلمان (GIZ-BMZ)، مرکز بین المللی بهبود جو و گندم (CIMMYT)، تقویه امورکشاورزی برای تغذیه در جنوب آسیا (LANSA)، کمیته سویدن برای افغانستان (SCA)، مرکز مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن (SOAS)، سازمان ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین المللی (USAID)، سازمان پژوهش های علمی هالنند و موسسه وارچایلد-بریتانیا تمویل گردیده است .

ISBN 978-9936-628-05-2



9 789936 628052

ISBN ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۲۸-۰۵-۲ (نسخه الکترونیک)